



جان جیراسی JOHN GERASI

ترجمه: بابک قهرمان



# انسان گریسندهی آمریکای لاتین

متوسط درآمد سرانه ای معادل ۲۵۴ دلار در سال دارند جدول شماره یک درآمد سرانه این کشورها را بطور نزولی نشان میدهد.

لیکن ارقام فوق بیان کننده واقعیت فقر آمریکای لاتین نیستند. اکثریت بزرگ مردم نیمکره آمریکای لاتین بر مراتب فقیرتر از آنند که از ارقام جدول برمی آید. مثلا، در پرو بیشتر از نصف مردم در خارج از قلمرو اقتصاد پولی زندگی می کنند و از طریق معاملات پایاپای ایسام می گذرانند. هشتاد درصد از نیم دیگر در سال ۵۴ دلار درآمد دارند. در صورتیکه صد خانواده نود درصد یا معادل ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار از ثروت ملی را ( گذشته از سرمایه های خارج ) صاحب هستند. از میان صد خانواده فوق، سی خانواده

سیاسی جزو آمریکای لاتین محسوب نمی شوند. و همینطور است درباره هندوراس انگلیس. در هر حال ما تقریباً بدون استثنا از بیست کشور خوشبینانه ترین برآوردها، بطور

جدول ۱ - میزان درآمد سرانه در کشورهای آمریکای لاتین

۵۳۰	آرژانتین	۸۰۰ دلار	ونزوئلا
۳۹۵	مکزیک	۳۹۵	کوبا
۳۲۵	شیلی	۳۹۵	اوروگوئه
۲۵۰	پاناما	۳۰۰	کولومبیا
۲۴۰	کوستاریکا	۲۴۰	برزیل
۱۴۰	السالوادور	۱۹۰	دومینیکن
۱۲۰	هندوراس	۱۳۰	گواتمالا
۱۱۵	پرو	۱۱۵	نیکاراگوا
۱۰۵	بولیوی	۱۱۰	اکوادور
۷۰	هائیتی	۹۵	پاراگوئه
		۲۰۶۰	ایالات متحده
		۱۱۰۰	نروژ
		۶۸۰	ایتالیا

آمریکای لاتین از لحاظ وسعت از ایالات متحده بزرگتر و از لحاظ منابع، بالقوه ثروتمندتر است. مرزهایش از دیوگرانده شروع میشود و بیش از شانزده هزار کیلومتر آنسوئر به قطب جنوب ختم می گردد.

آمریکای لاتین از بیست کشور فرانسی، اسپانیولی و پرتغالی - الاصل تشکیل یافته است. علاوه بر این کشورها، بعضی کشورهای مستعمره اروپا و ایالات متحده باضافه جامائیکا و ترینی داه - توباگو، که در اوت ۱۹۶۲ از انگلستان جدا شدند نیز بآمریکای لاتین تعلق دارند. لیکن، با وجود اینکه این کشورها از لحاظ اقتصادی با کشورهای دریای کارائیبشبهه هستند از نظر قوم شناسی

## انسان گرسنه‌ی آمریکای لاتین

درصد، در اروپا ۷٫۰ درصد، در آسیا ۱٫۸ درصد، در ایالات متحده و کانادا، و بطور کلی در دنیا ۱٫۷ درصد است. جدول شماره ۴، جمعیت شهری و روستایی بیست کشور آمریکای لاتین را در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نشان می‌دهد. جمعیت سال ۱۹۷۰ از روی جمعیت‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پیش‌بینی شده است.

جمعیت برزیل (۱) که در حال حاضر ۷۰ میلیون نفر است در سال‌های اولیه دهه ۷۰ از مرز ۱۰۰ میلیون خواهد گذشت. این کشور که در میان کشورهای آمریکای لاتین حداکثر وسعت را دارد از ۴۸ ایالات اول آمریکا بزرگتر است. دومین کشور آمریکای جنوبی از لحاظ جمعیت آرژانتین است که در حدود ۴۴ میلیون نفر جمعیت دارد. در شمال آمریکای لاتین پر جمعیت‌ترین کشور این قاره مکزیک قرار دارد که جمعیتش در حدود ۴۷ میلیون نفر است. این سه کشور از لحاظ جمعیت دو نکت از جمعیت تمام آمریکای لاتین را تشکیل می‌دهند.

متعدد داشته باشند، دارند. این اولیگارش‌ها دولت‌های کشورهای خود را در کنترل دارند و آنها را برعایت منافع خویش وادار می‌کنند. برای اینها شرایط غسانگ توندها بجز «حرف‌ها و نوشته‌های احساساتی» چیز دیگری نیست.

لیکن، توندها دارند سرعت چنان نیروئی می‌شوند که با شکل می‌توان از عهدشان برآمد. جمعیت بیست کشور آمریکای لاتین هم‌اکنون بیشتر از ۴۰۰ میلیون نفر است. در سال ۱۹۰۰، جمعیت این بیست کشور بزرگت به ۶۴ میلیون نفر یا ۴ درصد از جمعیت جهان می‌رسید. پنجاه سال بعد این رقم به ۱۶۳ میلیون یا ۶٫۵ درصد جمعیت جهان رسید. تا سال ۱۹۷۵ این جمعیت به حدود ۲۰۰ میلیون نفر که فزون‌تر از جمعیت روسیه شوروی یا آمریکای شمالی است خواهد رسید.

میزان رشد سالانه جمعیت در ابتدای قرن حاضر معمولی، یعنی ۱٫۸ درصد بود. این مقدار، امروز ۴٫۸ درصد و از هر کشور جهان بیشتر است. مثلاً میزان رشد سالانه جمعیت شوروی در سال ۱۹۶۱

تخته چوب ساخته شده، و زمینش از آن دیگران و یا دولت است، و نه آبی دارند و نه برقی و نه وسائط حمل و نقلی، و نه بهداشت و پزشکی و نه رفتگری که زباله‌ها را بردارد. یکی از این حلی‌آبادها که چون مانند قارچ در عرض یک شب سرازخاک در می‌آورند، در اصطلاح محلی به کالامپاس یعنی قارچ مشهورند، درست در مرکز شهر و رو در روی هتل مدرن کرلون قرار دارد. در این حلی‌آباد که کولوکولو نام دارد بناشانه‌های شرایط بسیار پائین سطح زندگی یعنی شکم‌های بزرگ اطفال (بعلت خوردن مواد نشاسته‌ای که تنها غذای زائنه‌نشینان است) و پاهای خمیده آنان (بعلت کمبود کلسیم و سایر مواد معدنی) روبرو شدم.

اینگونه مناظر را می‌توان بارها و بارها در هر یک از کشورهای آمریکای لاتین مشاهده کرد. در این کشورها در حالیکه میلیون‌ها نفر مردم حتی از قوت بخور و تغذیه خویش محروم هستند، اولیگارش‌های محلی ثروتی بس زیادتر از آنها که در آمریکای توانمند کشتی و هواپیمای شخصی و خانه‌های

هشتاد درصد از ثروت مذکور را در اختیار دارند. به علاوه، ۶۵ درصد از مردم بیمواد هستند و ۴۵ درصد روی یزک را ندیده‌اند. در لیما، یعنی در پایتخت کشور پرو، که خانه‌های زمان مستعمره بودنش با بالکن‌های چوبی مخصوص، یکی از زیباترین شهرهای دنیا را بوجود آورده‌اند، نیمی از ۱٫۴ میلیون جمعیت آن در حلی‌آبادهایی زندگی میکنند که موش از در و دیوارشان بالا می‌رود. یکی از این حلی‌آبادها که ال‌مونتون نام دارد، در بالا و حول وحوش آشغال‌دانی شهر ساخته شده است. در زمانیکه من از این شهر دیدن کردم، بچه‌های برهنه‌ایکه هنوز راه رفتن را بطور کامل نیاموخته بودند، با خوشه‌های محله بر سر باقیمانده‌های مواد غذایی که تصادفاً بتوسط رفتگران دور انداخته شده بود دست و پنجه نرم می‌کردند.

در شیلی، بیکاری همیشه بالاتر از ۱۸ درصد است و یک‌سوم از دو میلیون نفر جمعیت پایتخت آن، سانتیاگو در کلبه‌هایی زندگی می‌کنند که از گل و تکه پارچه‌های

جدول شماره ۲ جمعیت آمریکای لاتین به ۱۰۰۰

کشور	شهری			روستایی			جمع
	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	
آرژانتین	۱۱۰۴۰	۱۴۲۰۰	۱۸۰۰۰	۶۸۰	۱۷۸۵	۲۶۰۰	۲۵۶۰۰
بولیوی	۱۰۹۵	۱۳۸۰	۲۰۰۰	۱۹۱۵	۲۲۲۰	۲۶۰۰	۴۶۰۰
برزیل	۱۸۸۱۵	۲۷۳۶۰	۴۰۰۰۰	۳۳۱۶۰	۳۸۴۸۰	۴۵۰۰۰	۸۵۰۰۰
شیلی	۳۵۷۵	۵۰۱۰	۷۰۰۰	۲۵۰۰	۲۹۲۵	۲۸۰۰	۹۰۰۰
کولومبیا	۴۱۷۰	۷۰۶۵	۱۱۵۰۰	۶۹۷۵	۷۷۰۵	۸۶۰۰	۲۰۱۰۰
کوستاریکا	۲۶۵	۴۶۰	۷۰۰	۵۳۵	۶۸۵	۹۰۰	۱۶۰۰
کوبا	۳۰۶۵	۴۱۱۰	۵۵۰۰	۲۴۵۵	۲۷۱۰	۳۰۰۰	۸۵۰۰
دومینیکن	۵۰۵	۸۶۵	۱۵۰۰	۱۶۲۵	۱۹۸۰	۲۵۰۰	۴۰۰۰
اکوادور	۹۱۰	۱۵۰۰	۲۳۰۰	۲۲۸۵	۲۷۸۵	۳۴۰۰	۵۷۰۰
السالوادور	۶۸۵	۱۰۲۰	۱۷۰۰	۱۱۸۵	۱۳۷۵	۱۶۰۰	۳۳۰۰
گوآتمالا	۷۴۰	۱۲۰۵	۲۰۰۰	۲۲۸۰	۲۷۷۵	۳۵۰۰	۵۵۰۰
هایتی	۳۸۰	۷۱۰	۱۳۰۰	۲۷۳۰	۳۰۱۵	۳۴۰۰	۴۷۰۰
هندوراس	۴۳۰	۵۹۰	۹۰۰	۹۵۵	۱۱۶۵	۱۵۰۰	۲۴۰۰
مکزیک	۱۱۲۶۵	۱۷۵۱۰	۲۷۳۰۰	۱۵۱۷۰	۱۷۶۰۵	۲۰۵۰۰	۴۷۸۰۰
نیکاراگوا	۳۷۰	۶۲۵	۱۰۰۰	۶۹۰	۸۴۰	۱۱۰۰	۲۱۰۰
پاناما	۲۸۵	۴۳۰	۷۰۰	۴۷۰	۵۸۰	۷۰۰	۱۴۰۰
پاراگوئه	۳۹۰	۵۶۵	۱۰۰۰	۱۰۱۰	۱۰۶۰	۱۲۰۰	۲۲۰۰
پرو	۲۹۷۵	۴۴۸۰	۷۵۰۰	۵۱۹۵	۶۰۳۰	۷۰۰۰	۱۴۵۰۰
آروگوئه	۱۸۹۵	۲۲۴۵	۲۶۰۰	۵۱۵	۵۱۵	۵۰۰	۳۱۰۰
ورتوئلا	۲۶۷۵	۴۵۱۵	۷۵۰۰	۲۳۰۰	۲۴۲۰	۲۵۰۰	۱۰۰۰۰
آمریکای لاتین	۶۵۴۷۰	۹۵۸۷۰	۱۴۲۰۰۰	۹۰۱۰۰	۱۰۳۳۶۵	۱۱۹۹۰۰	۲۶۱۹۰۰



همانطور که جدول مربوط به جمعیت آمریکای لاتین نشان میدهد، جمعیت نواحی شهری از جمعیت روستائی پیشی خواهد گرفت و این یکی دیگر از ویژگیهای آمریکای لاتین است. هم اکنون جمعیت شهرنشین پنج کشور آرژانتین، اروگوئه، کوبا، شیلی و ونزوئلا از جمعیت روستاها زیادتر است، و جالب اینکه این پنج کشور در عداد شش کشوری هستند که بالاترین درآمد سرانه آمریکای لاتین را دارا هستند. نسبت جمعیت شهری به روستائی در مکزیک و کولومبیا یعنی هفتمین کشوری که در آمریکای لاتین بالاترین درآمد سرانه را دارد، در حال حاضر تقریباً مساوی است. پاناما، ال سالوادور، نیکاراگوا و پرو بزودی موقعیت مشابهی پیدا خواهند کرد.

علیرغم بالا بودن میزان مرگ و میر اطفال که رقم ترس آور ۲۰ تا ۳۵ درصد را داراست، درصد تعداد اطفال در آمریکای لاتین بیش از هر نقطه دیگر است. تقریباً کمی بیشتر از ۳۲ درصد جمعیت آمریکای لاتین از یک تا ۹ سال (این رقم در آمریکا ۲۴ درصد است) و ۲۳ درصد از ۹ تا ۱۵ سال (در آمریکا ۱۷ درصد) عمر دارند. از این رو جمعیت طفیلی و نانخور این قاره از دیگر نقاط دنیا بیشتر است. یعنی اینکه، ۵۰ درصد از جمعیت آمریکای لاتین را یا اطفال کمتر از پانزده سال تشکیل میدهند یا سالخوردهگان بیش از ۶۵ سال. در صورتیکه این نسبت در ایالات متحده آمریکا ۳۶ درصد است. با زیاد شدن این نسبت، تحمل این

نانخورها از لحاظ اقتصادی شاق تر میشود، و با بالغ شدن اطفال میزان تقاضا برای کار بالا میرود.

یکی از دلایل عمده رشد سریع جمعیت نفوذ مذهبی کلیاست. در آمریکای لاتین، با وجودیکه کلیسا دارای مقام رسمی نیست، اقتدر قدرت دارد که بتواند شعائر اخلاقی تقریباً هر یک از کشورهای آمریکای لاتین را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، تحلیلهای بلند و فراق یا غیرقانونی اعلام شده اند (مانند آرژانتین یا کولومبیا) و با دست زدن بآنها بختار مشکل است. بسیاری از کشورهای اروپائی نیز با داشتن دین کاتولیک دارای زام و ولد بسیار کمی هستند. ولی دولتهای اروپائی (بجز اسپانیا) اصولاً غیرمذهبی رفتار کرده و نفوذ کلیسا بآنها حدی بیرون از دستور است قانونی پائین برده اند.

بعلاوه، بغلت بالا بودن میزان زیاد درصد بیسوادان، کمیشها مرجع عمده دانش و اطلاعات مردم عامی شده اند. اهل کلیسای کاتولیک که بهمان اصول قرون وسطای مسیحیت پای بندند از دید جمعیت را از دیداد نیروی سیاسی مذهب کاتولیک میدانند و از مردم تهیدست می خواهند که اطفال خود را، در عوض مسئولیت های تازه، کمک بالقوه اقتصادی بدانند. بجز در مکزیک که انقلاب قسمتی از نفوذ کلیسا را از بین برده است، و در اروگوئه که اصولاً اصلاحات اجتماعی پرزیدنت خوزه بائل اردونز (۲) بصورت قوانین مذهبی درآمده اند، مذهب کاتولیک رومی تنها یک نهاد اجتماعی مانند دیگر نهادها

نیست، بلکه از هرگونه نهادی (۳) ثروتمندتر است. در بسیاری از کشورها کلیسا خود بزرگترین مالک است. با وجودیکه کلیسا در کشور شیلی ظاهر خود را مدرن ساخته است، این حقیقت را نمی توان انکار کرد که اصولاً کلیسا بعنوان یک نیروی نیرومند قرون وسطائی، توسعه آمریکای لاتین را سد کرده است.

ولی با تمام این احوال برخلاف نظر جامعه شناسان و اقتصاددانان و دانشمندان علم سیاست تمام حردهای آمریکای لاتین را از دیداد بی قواره جمعیت باعث نمی شود. عامل مهمتر این حقیقت است که برخلاف مستعمرات اصلی، مانند ایالات متحده، اولین گروه مهاجران بعضی اینک در آمریکای لاتین ساکن شوند. آنرا مالک شدند. مردم ایالات متحده این خوشبختی را دارند که اولین گروه مهاجران، با تمام وفاداری که نسبت بیک قدرت خارجی داشتند، لافل باصول اجتماعی محیط جدید خود احترام می گذاشتند. آنها برای بدست آوردن پول بصورت کالا می پرداختند، به انگلستان مالیات میدادند، و برای چندی از روی خلوص نیت خود را جزو انگلستان دانستند. ولی دنیای جدید بمنزله خانه جدید آنها بود. آنها برای منفعت و امنیت خویش بوضع قوانین محلی پرداختند و موقعیت اقتصادی چنانی ساختند که برای زندگی معمولی احتیاج بکمک خارج نبود و آنکه کوشا تر بود پاداش بهتری میبرد. آنها که بدنبال زندگی نو از انگلستان و

هلند گریخته بودند، بمنظور زندگی و اقامت بآمریکا شتافتند. ولی فاتحین اسپانیولی و پرتغالی که بآمریکای لاتین دست یافته بودند مقاصد دیگری داشتند. آنها برای مکیدن ثروتهای این قاره و انتقال آنها به طبقه حاکمه خود عزم سفر کرده بودند. وهیات های مذهبی کاتولیک که همراه این فاتحین راه افتاده بودند برآن بودند که « کفار را به مسیحیت بکشاند » برای انجام ایندو کار، اسپانیامجور شد که به لشگر کشی دست یازد. قشونهائی که بآمریکای لاتین می آمدند به وسائل ارتباط و سازوبرگ، وبعدها به خانه و مکان احتیاج پیدا کردند. در اینجا بود که اسپانیا مردم غانی را راهی دیار جدید کرد. این مردم بمعجز در سیدن بآمریکای لاتین، در آنجا خانه کردند و ماندگار شدند. با گذشت زمان و افزایش تعداد مردمیکه بعنوان مختلف به نیمه جنوبی آمریکا آمده بودند نیمکره بد قسمتهای تحت کنترل نایب السلطنه ها، مردان دریائی و دیگر ماموران اداری تقسیم شد.

لیکن این طرز اسکان، در ویژگی های اصلی عمل فتح آمریکای لاتین تغییری بوجود نیاورد. تنها علاقه دولت اسپانیا در آمریکای لاتین ثروتی بود که ارتش به آن کشور گسیل می داشت. از این رو نظام اقتصادی و سیاسی مستقر در آمریکای لاتین آنطور شکل پذیرفت که فقط منافع اسپانیا را تأمین میکرد.

چون فرهنگ سرخپوستان آمریکای لاتین که از طریق کشاورزی

و استخراج معادن زیست می‌کردند، برخلاف سرخپوستان آمریکای شمالی که از شکار روزگار می‌گذرانند بسیار پیچیده بود، اسپانیا بهتر دید که برای برداشت ثروت قاره جدید همان‌راه قدیمی کشاورزی و استخراج را پیشه کند. بهمین دلیل، سنگ‌های معدنی استخراج و با کشتی به اسپانیا فرستاده شدند. گله‌های حیوانات برای تأمین غذای مهاجران بکار رفتند. بزونی فروش محصولات معدنی، و مازاد مواد خام و محصولات حیوانی آمریکای لاتین، بتوسط اسپانیا آغاز شد، که سبب وسعت فعالیت کشاورزی در آمریکای لاتین گردید. ایسین رویداد موجب بوجود آوردن دو نوع متضاد نظام زمینداری شد. از یک طرف قطعات بسیار کوچک زراعی بوجود آمد که بتوسط مهاجران تحت حمایت نظامیان، برای استفاده‌های شخصی کشت میشدند، و از طرف دیگر قطعات بزرگ کشتزارها که بتوسط شبه‌برندگان (۴) سرخپوست و دورگه بنفع حاکم اسپانیا بزرگ‌تر در می‌آمدند.

البته بعضی کالاهای مصنوعی که اغلب دست‌ساز بودند در آمریکای لاتین ساخته میشدند، و هرچامه روستائی برای خود دارای آهنگر و نجار بود، ولی نظام عمدتاً از دو گروه اشراف قدرتمند و توده‌های فقیری که مازاد تولید خود را با مازاد تولید دیگران سودا می‌کردند تشکیل شده بود. اشرافیان، مواد مورد نیاز و آلات و ادوات برتجمل را از خارج وارد میکردند. در نتیجه، تمام اقتصاد آمریکای لاتین بر روی واردات و صادرات استوار گشت و خودسازی و اقتصاد خود کفائی و قناعت مورد توجه قرار نگرفت.

اسپانیا دور بود، و در نتیجه با ازدیاد جمعیت دنیای جدید کنترل تمام جوانب اقتصاد مستعمرات بسیار مشکل گشت. از اینرو اسپانیا مجبور شد که بتدریج دست از ثروت خود بردارد و انتقال آنرا به افراد محلی اجازه دهد. قطعات بزرگ زمین‌های مزروعی به فقط یک خانواده فروخته و یا واگذار شدند. یک چنین خانواده‌ای بنفع خود دید که برای کشت زمینهای

خود از همان شبه بردگان فقیر استفاده برد که قبلاً مورد استثمار قرار می‌گرفتند.

ولی محصولات زراعی و سنگ‌های معدنی بایستی که برای صدور از بنادر خصوصی عبور می‌کردند. اسپانیا که در اروپا سرگرم جنگها و فروگرفتن انقلاب‌ها بود، نتوانست گمرک آمریکای لاتین را با دقت گذشته بکار گیرد. از اینرو طبقه‌های نیرومند از واسطه‌ها و تجار بوجود آمد که گروهی از نخبگان سوداگر را تشکیل دادند. این نخبگان بنادر را بمرکز ثروت‌مند تبدیل ساختند و خود اولیگارش‌های جدیدی بوجود آوردند.

و سپس، با شروع رقابت بونسی‌پرس، مونته ویدئو و بندر لیما، تجار علیرغم میل اسپانیا کالاهای خود را در اختیار خریداران مختلف قرار دادند. انگلستان می‌خواست که بمحاذات خرید، محصولات خود را نیز بفروشد، ولی اسپانیا تصمیم گرفت که جلوی اینگونه تجارت آزاد را بگیرد. لیکن انگلستان و عاقبت امر ایالات متحده که از تجارت آزاد استفاده کلانی می‌بردند بر آن شدند که بکمک شهرها بشتابند و بر طبقینهای علی دامن بزنند. تا بدانجا که مزدوران انگلیسی به نیروهای بولیوار در خاک ونزوئلا پیوستند و انگلیسی‌ها قهرینه عملیات بولیوار را پرداختند. بیدنوسیسه «استقلال» از سوداگری زاده شد.

تجارت آزاد یکقدم با تفکر آزاد و تفکر آزاد یکقدم با آزادی بطور عام فاصله دارد. از اینرو کلیسا و اشرافیان زمیندار بجنگ با استقلال که برای آنها مترادف با آزادی عمومی اقتصادی بود و نظام شبه برده‌داری زراعی (۵) را از بین میبرد، پرداختند. ولی منافع زمینداران به منافع تجار بنادر بستگی داشت. از آنجا که تجار بنادر بهمان اندازه زمینداران از بوجود آمدن تغییر ناراضی بودند، جنگ بالاخره بنفع هر دو خاتمه یافت. یعنی اینکه آزادی از زیر سلطه اسپانیا، و آزادی تجارت هر دو، مورد قبول قرار گرفتند. ولی آزادیهای دیگر دچار بی‌لطفی هر دو دسته شدند و

نظام شبه برده‌داری زراعی همانطور دست نخورده باقی ماند.

زمینداران به‌محافظة کاران مشهور شدند و تجار شهرها به‌آزادخواهان (لیبرال‌ها). پس‌از استقلال، ایندو اولیگارش‌های برای تصاحب قدرت با یکدیگر جنگیدند، و بجز در کولومبیا که هنوز وضع نامعلوم باقی مانده است، آزادخواهان (لیبرال‌ها) بازی را بردند. ولی این باصلاح رقابت‌های سیاسی فقط برای هدف‌های اقتصادی، یعنی‌میزی تعرفه‌ها، حقوق گمرکی، و مالیات‌ها وغیره بوجود آمده بودند. مورخین درباره تفاوتیهای اساسی لیبرال‌ها که آزاد اندیش بودند، و محافظه کاران که به

مذهب کاتولیک ایمان داشتند، کتابهای قطوری نوشته‌اند. ولی، حقیقت اینستکه بین ایندو گروه، درباره نحوه برداشت زندگی، تحقیر همه جانبه توده‌ها، سودجویی شخصی، و تعلق به طبقه یا کاست معین و تعلق بیک ملیت، و سنتورات اخلاقی و روابط اجتماعی و آموزش و پرورش تفاوت واقعی وجود نداشت.

این عدم وجود تفاوت بین حکام و قبیله، شاید دلیل طغیان‌های مکرر در آمریکای لاتین باشد. مطوعات ما هر موقع که یک پروتس-گروه (۶)، یک درون گروه (۷) را از قدرت پائین می‌کشند، انقلاب می‌خواستند. علاوه بر این مطبوعات، واژه کاتودیلو (۸) یا فرمانده را به تسخیر بکار می‌بردند. این واژه کاتولیک، دیکتاتور، رئیس، و انقلابی میدانند. در حقیقت تصویری که اینها از انقلاب و «فرمانده یا کاتودیلو» دارند بی‌اساس است. واژه «کاتودیلو» بخودی خود برای مردم آمریکای لاتین دارای معنی منفی نیست. مسکن است «کاتودیلوی» خوب داشته باشیم، و «کاتودیلوی» بد. خوزه گرواسیو آرتیگاس که با انگلیس، پرتغال، و اسپانیا و افراد صاحب منفعت در آرژانتین و اروگوئه، در قرن نوزدهم جنگید، خود «کاتودیلوی» تمام عیار بود. لیکن این شخص یکی از شریف‌ترین و اصیل‌ترین شخصیت‌های تاریخ آمریکای لاتین است. بطور کلی،

یک «کاتودیلو» رهبری است که قدرتمند و شجاع است، و ممکن است دارای جاذبه جنسی تیز باشد. اگر او یک دهقان باشد، انگیزه‌اش در مبارزه، اغلب از حقیقت سرچشمه می‌گیرد. و اگر نظامی باشد از روی طمع می‌جنگد. لیکن «کاتودیلو» همیشه کار معینی را بانجام میرساند، و آن اینکه درون گروه را از قدرت پائین می‌آورد. بجز در موارد نادر - مانند آرتیگاس - «کاتودیلو» یک انقلابی نیست. او فقط یک عده حاکم را، با همان نظم و قابلیت پیش‌بینی انتخابات چهارساله ما، با عده‌ای دیگر عوض می‌کند، و همانگونه که انتخابات ما بندرت ساخت (۹) زندگی سیاسی و اجتماعی ما را تغییر میدهد، طغیان «کاتودیلو» نیز ساختمان زندگی سیاسی کشورش را تغییر خواهد داد. عمل «کاتودیلو»ها، در نظام غیرقابل انعطاف سیاسی و اقتصادی آمریکای لاتین، فقط تغییر نام اعضای هیات دولت بوده‌است. آنها خواه‌آزادخواه (لیبرال) باشند یا محافظه کار، هیچگاه ساخت اقتصاد مستعمره‌ای آمریکای لاتین را تغییر ندادند.

ساخت اقتصاد آمریکای لاتین هنوز هم مستعمره‌ایست. تولید مواد خام - خواه مواد معدنی یا کالاهای غذایی - هیچگاه به توسعه و ترقی نمی‌انجامد. مواد خام ۹۰ درصد از صادرات آمریکای لاتین را تشکیل میدهند، ولی بعزت رقابت روزافزون آسیا و بخصوص آفریقا، و همچنین بعزت کاهش قیمت مواد خام، این صادرات برای بازپرداخت قیمت کالاهای ساخته شده وارداتی که روز بروز بر قیمتشان افزوده میشود کافی نیستند. از اینرو همانطور که جدول شماره چهارم در مورد سال ۱۹۶۰ نشان میدهد، در کشورهای آمریکای لاتین همیشه کته واردات از کته صادرات پائین‌تر است.

صادرات و واردات ونزوئلا بسبب نقت این کشور همیشه در حال تعادل بوده است، ولی همانطور که خواهیم دید منافع صادرات موافقتی نتوانسته است ونزوئلا را از عقب ماندگی اقتصادی برهاند.



جدول شماره ۴ ، مقایسه صادرات و تولید ناخالص ملی در سال نمونه ۱۹۵۷ به میلیون دلار آمریکائی

درصد صادرات نسبت به تولید ناخالص ملی	صادرات	تولید ناخالص ملی
۱۱٫۵	۹۷۵	۸۵۱۱
۳۳٫۲	۷۴	۲۲۳
۱۳٫۳	۱۳۹۲	۱۰۴۹۷
۲۴٫۵	۴۴۵	۱۸۵۹
۲۱٫۹	۵۲۰	۲۳۷۰
۲۰٫۷	۸۳	۴۰۱
۳۰٫۲	۸۴۵	۲۸۰۰
۲۴٫۵	۱۰۱	۶۵۶
۱۷٫۳	۱۳۳	۷۷۰
۲۲٫۵	۱۳۸	۶۱۲
۱۷٫۷	۱۱۴	۶۴۵
۱۳٫۹	۳۴	۲۴۵
۱۸٫۹	۶۵	۳۴۴
۸٫۷	۷۲۷	۸۳۲۰
۲۲٫۷	۶۴	۲۸۲
۲۱٫۳	۶۴	۳۰۰
۱۳٫۸	۳۳	۲۴۰
۱۷٫۶	۳۲۰	۱۸۱۵
۹٫۴	۱۲۸	۱۳۵۸
۳۶٫۹	۲۳۶۶	۶۴۱۶
-	۸۶۳۱	۴۸۶۵۶
۲۰٫۰	-	-
۴٫۴	۱۹۵۰۶	۴۴۰۳۰۰

یافته است .  
اینکه ما آمریکائیان باید قیمت کالاهای صادراتی آمریکائی لاتین را افزایش دهیم و از قیمت کالاهای ساخته شده خود بکاهیم موضوعی است که از دهان همه مردم آمریکای لاتین می توان شنید . حتی محافظه کارترین افراد بانفوذ طرفدار آمریکا ، در آمریکای لاتین ، نسبت بشرايط غير عادلانه تجارت آمریکا با کشورهای عضو « اتحادیه برای پیشرفت » می نالند . در واقع همه ، سقوط قیمت های قهوه ، موز ، کاکائو ، قلع ، شکر ، روغن ، مس ، گوشت و یا پشم را بزرگترین ظلمی میدانند که ایالات متحده در حق آمریکای لاتین روا داشته است .  
با سیاستی که ما در قبال کشورهای آمریکائی لاتین اتخاذ کرده ایم ، حق با آنهاست که

چون نسبت صادرات به تولید ناخالص ملی کشورهای آمریکائی لاتین زیاد است (جدول شماره ۴) ، بودجه سالانه این کشورها همیشه دچار کسر موازنه است .

در سال ۱۹۵۸ ، ژوزف بیترگرس رئیس شرکت گریس و شرکاء که از مواد خام کشور های آمریکائی لاتین سود کلانی میبرد چنین گفت : « ما باید کاری کنیم که درآمد حاصل از صادرات کشور های آمریکائی لاتین با قیمتی که بابت واردات کالا های ساخته شده می پردازند مناسب باشد . درسالهای اخیر قیمت فلزات شیلی ، پرو و مکزیک ۴۰ تا ۵۰ درصد کاهش یافته است . در صورتیکه در همین مدت یعنی از سال ۱۹۵۱ تاکنون قیمت کالاهای ساخته شده ای که کشورهای آمریکائی لاتین وارد می کنند تا ۱۱ درصد افزایش

جدول شماره ۳  
واردات و صادرات کشورهای آمریکائی لاتین در سال ۱۹۶۰ ، بر حسب میلیون دلار

نام کشور	واردات	صادرات
آرژانتین	۱۲۴۹	۱۰۷۹
بولیوی	۷۸	۵۱
برزیل	۱۴۶۲	۱۲۶۹
شیلی	۵۰۰	۴۹۰
کولومبیا	۵۱۹	۴۹۴
کوستاریکا	۱۱۰	۸۸
السالوادور	۱۲۲	۱۱۷
گوآتمالا	۱۳۸	۱۱۶
هندوراس	۷۲	۶۴
مکزیک	۱۱۸۶	۲۶۰
نیکاراگوا	۷۲	۵۶
پاناما	۱۰۹	۳۱
اروگوئه	۲۴۴	۱۲۹

از ما می نالند . در ظاهر اعلام کرده ایم که بمنظور تامین هزینه اصلاحاتی که در « اتحادیه برای پیشرفت » پیشنهاد شده است به همسایگان آمریکائی لاتین خود کمک خواهیم کرد که دلاری بیشتری بدست آورند .  
طبیعی ترین راه برای انجام هدف فوق را بالا بردن قیمت کالاهای وارداتی از آمریکائی

لاتین دانسته اند . در عمل این بدان معنی است که دولت آمریکا به تولیدکنندگان این نوع کالاها کمک های مالی بدهد . آنها که راه فوق را پیشنهاد کرده اند معتقدند که با انجام این راه و حذف مساعدت های مالی دولت آمریکا بدولتهای آمریکائی لاتین ، ظاهر ناخوشایند صدقه دهی نیز از بین می رود .

لیکن ، گفته فوق این حقیقت را نادیده می‌گیرد که هیچ دولتی نمی‌تواند هزینه اصلاحات دولتهای دیگر را بپردازد . بنظر می‌آید این موضوع از یاد رفته باشد که اصولاً « اتحادیه » برای پرداخت وام بوجود آمد و نه برای واگذاری کمک . و دیگر اینکه ، ممکن است ما کنترل قیمت‌های بازار جهانی را در اختیار داشته باشیم ، ولی در هر صورت از لحاظ سیاسی صحیح نیست که وقتی در بازار آزاد قیمت‌ها پائین‌تر است بابت کالاهای بعضی کشورها پول بیشتری بپردازیم . یکی از علل بالا بودن قیمت کالاهای ساخته شده ما ، بالا بودن سطح زندگی ما است و اصولاً عقلانی نیست که باین علت اجناس ساخته شده خود را ارزان‌تر بفروشیم . و آخرین نکته اینکه پرداخت کمک‌های مالی به تولیدکنندگان آمریکای لاتین از محل مالیات‌ها بتوسط دولت ما صحیح نیست .

ممکن است برای گفته‌های فوق جوابهای مناسبی وجود داشته باشند ، ولی راه حل اصلی معما اینستکه کشورهای آمریکای لاتین از صورت تولیدکننده یک محصولی بیرون آیند و بتولیدکنندگان چند محصولی تبدیل شوند . آمریکای لاتین باید محصولات صنعتی خود را خود بسازد . منبع درآمد این کشورها نباید فقط صادرات آنها باشد . ولی چون بقای بعضی از صنایع بزرگ ما بمواد خام آمریکای لاتین ، و بازار این کشورها بستگی خاص دارد ، برفع ما است که در راه صنعتی شدن و چندگونه شدن تولیدات کشورهای آمریکای لاتین سنگ بیندازیم . تاریخ ثابت کرده است که سیاست ما جز این نبوده است . آیا سیاست « اتحادیه برای پیشرفت » این است یا جز این مسئله‌ای است که باید ثابت شود .

وانگهی برای چندگونه کردن تولیدات و صنعتی شدن، آمریکای لاتین باید تغییرات عظیمی در بنیان خود پدید آورد . لیکن این عمل بدون ملی کردن های همه جانبه ، چند گونه کردن اجباری تولیدات و برنامه‌ریزی های دقیق امکان‌پذیر

جدول شماره ۵ - صادرات آمریکای لاتین در سال ۱۹۵۹

کشور	کالای صادراتی اولیه	درصد کالای صادراتی اولیه	کالای صادراتی ثانوی	درصد اولیه
آرژانتین	گوشت	۲۶	گندم	۳۹
بولیوی	قلع	۶۲	سرب	۷۱
برزیل	قهوه	۵۸	کاکائو	۶۴
شینی	مس	۶۶	نیترات	۷۶
کولومبیا	قهوه	۷۷	نفت	۹۲
کوستاریکا	قهوه	۵۱	موز	۸۶
کوبا	شکر	۷۷	نیباکو	۸۳
دومینیکن	شکر	۴۸	کاکائو	۶۵
اکوادور	موز	۵۷	قهوه	۷۵
السالوادور	قهوه	۷۲	بنبیه	۸۸
گواتمالا	قهوه	۷۲	موز	۸۵
هایتی	قهوه	۶۳	الیاف صباره	۸۰
هندوراس	موز	۵۱	قهوه	۷۰
مکزیک	بنبیه	۲۵	قهوه	۳۶
نیکاراگوا	بنبیه	۳۹	قهوه	۷۳
پاناما	موز	۶۹	کاکائو	۷۲
پاراگوئه	خمیرچوب	۲۴	گوشت	۴۶
پرو	بنبیه	۲۳	شکر	۳۸
اروگوئه	بنبیه	۵۴	گوشت	۶۸
ونزوئلا	نفت	۹۶	سنگهای قیمتی	۹۸

متوسط درآمد آمریکای لاتین از سال ۱۹۵۳ ۵۵۳  
متوسط درآمد آمریکای لاتین از سال ۱۹۵۳ ۷۰۳

تست . برای انجام گفته‌های فوق یا باید یک رشته انقلابات ملی دست زد و یا از کمک‌های مشروط خارجی استفاده برد. در غیر این صورت آمریکای لاتین کمابکان اقتصاد مستعمره‌ای خواهد داشت و باز بجه امیال نوسانات قیمت بازار جهانی خواهد بود .

اگر در نظر آوریم که باز بجه کشور از بیست کشور آمریکای لاتین فقط یک محصول برای صدور دارند متوجه وخامت اوضاع اقتصادی این قاره خواهیم شد . در جدول شماره ۵ ، محصول اول وهمچنین محصول دوم کشورهای آمریکای لاتین را که در قیاس با محصول اول کم ارزش است ، نقل کرده‌ایم .

ارقام سخن میگویند

قسمت بسیار بزرگی از کالاهای صادراتی و تولید ناخالص ملی کشورهای آمریکای لاتین را محصولات کشاورزی تشکیل میدهند . آرژانتین ، شیلی و ونزوئلا تنها سه کشوری هستند که تولیدات کشاورزی قسمت اعظم

دومین عامل از عوامل تشکیل دهنده تولید ناخالص ، تجارت و بانکداری است . بخش‌های تجارت و بانکداری تنها یک درصد از جمعیت آمریکای لاتین را در خود گرد آورده‌اند . لیکن سودمربوطه در سال حداقل ۷۵ درصد است و در سالهای اخیر حتی به ۱۰۰ درصد نیز رسیده است. این بدان معنی است که قسمت کوچکی از درآمد کلان حاصل از تجارت و بانکداری به افراد شاغل در این بخش میرسد . بعبارت دیگر ، یک درصد از جمعیت ۳۱ درصد از تولید ناخالص ملی را بوجود می‌آورند که بچیب شده معدودی از تاجران و بانکداران بر ابرز می‌شود .

از طرف دیگر ۵۵ درصد از جمعیت فعلی آمریکای لاتین دست اندرکار کشاورزی است . هشتاد درصد از این عده دستمزدی دریافت نمی‌کنند . فقط در ازاء کارشان یا آنها مواد غذایی و یا حواله‌هایی داده میشود که معادل با ۷۰ تا ۹۰ درصد از ارزش آنها در مغازه‌های ارباب قابل تبدیل اند. بعضی اوقات، کارگران برده مانند زراعی در ازاء کار خود حق خواهند داشت که در قطعات بسیار کوچک زراعی کشاورزی کنند . منتهی باید بین ۳۳ تا ۸۰ درصد محصول خود را به ارباب تحویل دهند . چون همانطور که گفته شد ۸۰ درصد از ۵۵ درصد جمعیت بخش کشاورزی دستمزدی دریافت نمی‌کنند ، با ملاحظه جدول شماره ۶ بدین نتیجه میرسیم که تنها ۲۰ درصد از ۵۵ درصد و یا ۱۱ درصد از کل جمعیت دست اندر کار کشاورزی معادل ۳۶ درصد از تولید ناخالص ملی آمریکای لاتین را بوجود می‌آورند . این نه بدان معنی است که ۱۱ درصد فوق از ۳۶ درصد تولید ناخالص ملی سهم‌های مساوی میبرند . بعکس اکثر ۱۱ درصد مذکور برای شرکتهای بزرگ زراعی کار می‌کنند و دستمزدهای بسیار کمی می‌گیرند .

استفاده از کار مجانی کارگران و مقایسه این کار با هزینه‌های خرید تراکتور موجب شده است که هزینه‌های نقدی و سرمایه‌گذاریهای زراعی بسیار کم

جدول شماره ۶ ، نقش بخش‌های مختلف اقتصادی در تولید ناخالص ملی

کالای	درصد
کشاورزی	۲۶٪
صنایع	۱۵٪
معادن	۶٪
ساختمان	۳٪
خدمات	۵۰٪
تجارت و بانکداری	۲۱٪
دولت	۷٪
حمل و نقل و ارتباطات	۹٪
خدمات دیگر	۱۵٪

باشند. از این رو اربابان آمریکای لاتین هیچ وجه حاضر نخواهند شد که از نظام بهره‌گیری از کارگران کشاورزی روی برگردانند و تغییرات عمیقی بوجود آورند. جدول شماره ۷ میزان تسلط اربابان را بر زمینهای زراعی نشان میدهد.

**جدول شماره ۷ ، توزیع اراضی مزرعی برحسب وسعت آنها در جمعیت بخش کشاورزی**

بزرگی مزرعه	درصد تعداد	درصد مساحت	کلید	هکتار
۲۰-۳۰	۷۴۴	۶۸	کلید	۲۹
۱۰۰-۱۰۰۰	۱۸۰	۶۴	مزارع	۱۹۷
۱۰۰۰ بیلا	۱۲	۷۰۶	مزارع	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰			

تکنه جالب توجه اینکه برخلاف مالکین صفر تا ۲۰ هکتاری که بغیر از زمین خود صاحب زمین دیگر نیستند، مالکین بزرگ دارای ۳، چهار ویا حتی مانند مالکین آرژانتین، چهارده قطعه زمین بیش از ۱۰۰۰ هکتاری هستند.

بنابراین رقم ۱۲ درصد جدول از تعداد مالکین بزرگ حکایت نمی‌کند. من گمان می‌کنم تعداد اینگونه مالکین کمتر از یک درصد باشد. بنابراین می‌توانیم بگوئیم که یک درصد از جمعیت بخش کشاورزی، ۷۰۶ درصد زمینهای آمریکای لاتین را در تصرف دارند.

یکی از نتایج توزیع غیر- عادلانه فوق اینستکه عده معدودی از زارعین می‌توانند فرزندان خود را بمدرسه بفرستند، چون زارعین بولی در دست ندارند که با آن وسائل لازم کشاورزی زمینهای کوچک خودرا تهیه کنند، مجبورند که برای تولید قوت لایموت خویش تمام افراد خانواده را بکار بکشند. علاوه، چون کارگران زمینهای بزرگ فرصتی برای کشت زمینهای کوچک اجاره‌ای خود ندارند و مجبورند از طلوع تا غروب آفتاب در مزارع ارباب مشغول باشند، فرزندان خود را برای کشت این قطعه زمینها می‌فرستند. همچنین،

درآمد معدنچیان چنان بائین است که آنان مجبورند فرزندان خودرا در همان معادن ویا کارهای دیگر بکار گمارند. نتیجه اینکه عده معدودی از طبقه فقیر می‌توانند بمدرسه بروند و یا همانطور که جدول شماره ۸ نشان میدهد، تحصیل خود ادامه دهند.

طول متوسط ایامیکه مردم آمریکای لاتین بمدرسه میروند ۱۹۹ سال است. در صورتیکه رقم مشابه برای ایالات متحده ۹ سال، برای ژاپن ۷٫۴ سال و برای یورتوریکو ۵٫۴ سال است. در محاسبه ۱۹۹ سال فوق، اروگوئه یضاب نیامده است. اگر این کشور در محاسبه منظور میشد طول متوسط مدتیکه یک نفر از اهالی آمریکای لاتین بمدرسه میرفت از ۱۹۹ سال کمتر میبود. آمار رسمی اروگوئه، بسته بدستگاه اندازه‌گیری، درصد یسوانتی را بین ۳۱ تا ۸۰ درصد نشان میدهند. ولی من همانطور که بعدا نشان خواهم داد، یقین دارم که آندسته از اقطاع اروگوئه که روی مدرسه را دیده باشند از ۳ درصد تجاوز نمی‌کند. از طرف دیگر، اگر من ارقام مربوط بکوبا را در محاسبه خود وارد می‌کردم

متوسط فوق از ۱۹۹ سال بمراتب بیشتر میشد. زیرا که بیسواندی رسا از این کشور رخت بر بسته است و مطابق گفته‌های دولت کوبا در حال حاضر ۱۰۰ درصد از اطفال کمتر از ۱۵ سال در مدرسه حضور می‌یابند.

طبیعی است که فقدان آموزش و پرورش بکمبود معلم، مدیر، تکنیسین و طبیب می‌انجامد. و این بنوبه خود همانطور که در جدول شماره ۹ آمده است، موجب کمبود بیمارستان می‌گردد. در نتیجه، در آمریکای لاتین همه‌گونه بیماری ممکن وجود دارد، که بعضی اوقات بصورت همه‌گیر در می‌یابند. بطور کلی برقریبانیان امراض مختلف روز بروز افزوده میشود. از سال ۱۹۵۵ تاکنون دفتیری در برزیل، کولومبیا، شیلی، ال سالوادور، پاناما، جمهوری دومی نیکن و ونزوئلا بصورت همگانی شیوع پیدا کرده است. سایر امراضی که در فاصله تاریخ فوق شیوع یافته‌اند عبارتند از: ورم مغز در آرژانتین، برزیل، کوستاریکا و ونزوئلا؛ حصه در برزیل و هائیتی (۷ بار)، پاناما، پاراگوئه، پرو، دومی نیکن و ونزوئلا؛ آبله در آرژانتین،

بولیوی، برزیل، اکوادور، کولومبیا، پاراگوئه و اروگوئه؛ منتزیت عفونی در کوستاریکا، هائیتی، پاناما و پرو؛ و حتی جذام در برزیل، دومی نیکن، و پاراگوئه که از هر دو هزار نفر یک نفر مبتلاست؛ و بالاخره، طاعون که در مناطق دور افتاده برزیل دارد بالا می‌گیرد. معمولا شیوع یک بیماری بتوسط مقامات رسمی اعلام و ثبت می‌شود. لذا بعثت فقدان مأمورین بهداشت و وسایط ارتباط شاید هزاران مورد از شیوع یک بیماری وجود داشته که نادیده مانده‌اند.

رقم بزرگی از بیماران آمریکای لاتین فقط بعثت نبودن آب غیر آلوده ازین میروند. در واقع ۴۰ میلیون نفر از شرفینان و ۸۶ میلیون از روستائیان آمریکای لاتین از آبهای آلوده استفاده می‌کنند. ملاحظه می‌شود که مجموع دو رقم فوق نیمی از ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت آمریکای لاتین را تشکیل میدهد و جالب اینکه بر ارقام فوق بطور فزاینده‌ای اضافه میشود. در فاصله بین ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰، برای ۴۱ میلیون نفر آب لوله‌کشی فراهم شد، ولی در همان فاصله معادل ۳۰ میلیون بر جمعیت افزوده گشت.

**جدول شماره ۸ - درصد جمعیتی که در سال ۱۹۶۱ بمدرسه رفته‌اند**

کشور و دانشگاه	مدرسه	سال دوم	دبستان	دبیرستان	بداشگاه
آرژانتین	۸۱٫۴	۷۰٫۱	۱۹٫۲	۱۶٫۰	۳٫۲
بولیوی	۳۰٫۹	۷٫۵	۱٫۸	۱٫۰	۰٫۱
برزیل	۴۴٫۸	۳۳٫۸	۳٫۹	۳٫۲	۰٫۴
شیلی	۷۵٫۴	۶۸٫۳	۱۵٫۶	۱۴٫۱	۲٫۵
کولومبیا	۵۷٫۳	۴۹٫۶	۶٫۵	۵٫۸	۰٫۷
کوستاریکا	۷۴٫۴	۶۸٫۵	۱۶٫۲	۱۳٫۸	۱٫۵
دومی نیکن	۳۸٫۸	۲۸٫۴	۳٫۸	۳٫۲	۰٫۲
اکوادور	۵۱٫۸	۴۰٫۱	۴٫۹	۴٫۰	۰٫۲
ال سالوادور	۳۶٫۰	۲۵٫۳	۲٫۷	۲٫۰	۰٫۱
گوآتمالا	۲۴٫۴	۱۱٫۲	۱٫۹	۱٫۵	۰٫۱
هائیتی	۵٫۷	۲٫۴	۰٫۹	۰٫۲	ناچیز
هندوراس	۳۱٫۲	۲۲٫۷	۲٫۸	۱٫۸	۰٫۱
مکزیک	۵۲٫۵	۳۹٫۴	۷٫۴	۷٫۱	۱٫۶
نیکاراگوا	۳۸٫۴	۲۴٫۱	۲٫۱	۱٫۶	۰٫۲
پاناما	۶۴٫۹	۴۰٫۰	۴٫۸	۴٫۱	۱٫۵
پرو	۵۰٫۸	۳۰٫۱	۳٫۶	۳٫۰	۰٫۵
اروگوئه	۹۰٫۲	۸۳٫۶	۲۴٫۵	۲۲٫۶	۴٫۲
ونزوئلا	۴۸٫۳	۳۵٫۲	۳٫۴	۳٫۰	۰٫۴
معدل	۴۹٫۳	۳۸٫۳	۷٫۰	۶٫۰	۱٫۰

جدول شماره ۹ - تعداد بیمارانها و پزشکان آمریکای لاتین (۱۹۶۱)

کشور	تعداد نختهای بیمارستان برای ۱۰۰۰ نفر	یک پزشک برای چند نفر
آرژانتین	۵۳	۷۶۰
بولیوی	۱۸۸	۳۹۰۰
برزیل	۳۲۶	۲۵۰۰
شیلی	۵۰	۱۹۰۰
کولومبیا	۳۲۰	۲۹۰۰
کوستاریکا	۵۱	۲۷۰۰
دومینیکن	۲۷	۵۲۰۰
اکوادور	۳۱	۲۹۰۰
السالوادور	۱۲۴	۵۴۰۰
گواتمالا	۲۱	۶۳۰۰
هائیتی	۰۲۶	۹۸۰۰
هندوراس	۲۰	۴۸۰۰
مکزیک	۱۲۰	۱۹۰۰
نیکاراگوا	۱۸۸	۳۱۰۰
پاناما	۳۲۶	۳۳۰۰
پاراگوئه	۱۸	۳۷۰۰
اروگوئه	۵۲	۸۳۰
ونزوئلا	۳۱	۲۱۰۰
متوسط	۲۸	۳۵۲۰
کانادا	۱۱۲	۹۰۰
ایالات متحده	۱۰۶	۷۸۰

تمام افراد بزرگتر از شش سال خانواده، روزی چهار ساعت بطور مجانی برای مزرعه کار میکرد. والبنه، هیچکس قبلا چشمش بیک خبرنگار آمریکائی نخورده بود. در آسون سیون، پابخت پاراگوئه، که جمعیتی در حدود ۴۰۴۰۰۰ نفر دارد ۶۰۰۰۰ نفر در منطقه بانالافی چاکارتیا درخانه های مقناتی زندگی می کنند. در این خانهها وجود موش بقدری عادی شده است که آنها وموشها از حضور یکدیگر دچار ترس نمی شوند. علاوه بر محله فوق، محله مشابه دیگری بنام «دهکده کوچک شیطان» با ۳۰۰۰۰ نفر جمعیت وجود دارد که تعداد افراد مبتلابه مالاریا، حصبه، سفلیس و گرمهای انگل، از تعداد بچههای شیرخور بیشتر است. در شمال شرق برزیل که انسان بعلت پیری در تقیه در صفحه ۵۱

این حواله فقط در فروشگاههای مزارع بزرگ و آنهم معادل ۸۰ درصد ارزش آن، قابل تبدیل است. من در ضمن طی هزار و سیصد کیلومتر راه در دو ایالات فوق، حداقل با ۴۰۰۰ زارع گفتگو کردم. در طی این گفتگوها نکات زیر را برداشت کردم: در ساعات کار هیچکس بدون کسر دستمزد نزد طبیب نرفته بود. مطابق قانون قسمتی از مزدها باید بیول نقد پرداخت شود، ولسی هیچکس موفق بدریافت این مزد نشده بود. هیچکس نتوانسته بود، حتی وقتی که زرش در آستانه زاییدن بود، از تلفن مزرعه بزرگی که در آن کار می کند برای خواستن پزشک استفاده کند. هیچکس موفق نشده بود که خانواده خود را به کلبه گلی بدون پنجره ای که از طرف مزرعه در اختیارش گذارده شده بیاورد، مگر اینکه

جدول شماره ۱۰ - امیدبزندگی (برحسب سال) و نرخ مرگ و میر در آمریکای لاتین (در ۱۰۰۰ نفر)

کشور	امیدبزندگی (کل)	امیدبزندگی (یکساله)	مرگ و میر در ۱۰۰۰ ساله	مرگ و میر در ۱۰۰۰ ساله
آرژانتین	۵۱	۵۶	۲۹	۹۵
بولیوی	۴۳	۵۰	۷۰	۲۰۸
برزیل	۳۶	۴۵	۵۱	۱۵۸
شیلی	۴۵	۵۱	۲۴	۱۴۰
کولومبیا	۴۵	۵۱	۲۵	۱۷۰
کوستاریکا	۵۰	۵۶	۳۴	۱۱۴
دومینیکن	۴۵	۵۱	۳۸	۱۴۲
اکوادور	۴۹	۵۶	۶۳	۱۷۶
السالوادور	۴۸	۵۴	۵۹	۹۹
گواتمالا	۴۰	۴۴	۱۰۰	۱۷۵
سرخیوستان	۵۰	۵۳	۶۰	۱۰۵
کواتمالا	۲۹	۳۵	۷۱	۲۲۲
هائیتی	۴۷	۵۲	۷۴	۱۸۶
هندوراس	۳۴	۴۱	۷۲	۱۶۶
مکزیک	۴۶	۵۱	۷۸	۱۸۷
نیکاراگوا	۵۶	۵۹	۳۲	۶۸
پاناما	۳۲	۳۸	۶۹	۲۰۵
پاراگوئه	۴۱	۴۶	۶۰	۱۳۹
پرو	۵۸	۶۶	۲۵	۹۰
اروگوئه	۴۹	۵۴	۵۳	۱۶۱
ونزوئلا	۴۴	۵۰	۲۶	۱۵۳
متوسط	۶۶	۶۸	۳۴	۴۳
کانادا	۶۶	۶۶	۲۶	۳۱
ایالات متحده	۶۶	۶۶	۲۶	۳۱

متوسط در حدود ۵۰۰ کالری در روز است. در کوکولامبو، وایالات اتاکاتا و قسمت سفلی شیلی، در سال ۱۹۶۱ تعداد ۴۰۰۰۰ بز، یعنی منبع اصلی غذای مردم بعلت نبودن علوفه تلف شدند. در قسمت‌های مرکزی ایالات کولجاگوا و اوهیگینز که از غنی‌ترین مناطق شیلی هستند و به «کلیه اولیگارش» معروفند، با زارعین با خشونت هرچه تمام رفتار میشود. این زارعین صرفاً برای اینکه از خود دفاع می‌کنند بدست قاضی‌هایی محاکمه میشوند که خود از زمینداران بزرگ هستند. درشن شرکت در فعالیت‌های سیاسی برای زارعین ممنوع است و باوجودی که انجام ۷ روز کار در هفته از لحاظ قانون منع شده است، کارگران مزارع را مجبور میکنند که برای ۷۰ سنت در روز که بجای آن نان بیات و یا یک حواله بول پرداخت میشود، ۷ روز در هفته و ۱۷ ساعت در روز کار کنند. لایزمت یادآوری شود که

کاملاً طبیعی است که در تحت یک چنین شرایطی، کودکان قبل از رسیدن بسن یکسالگی بمیرند و متوسط میزان مرگ و میر بسیار بالا باشد. در جدول شماره ۱۰ جزئیات مربوط به این موضوع نشان داده شده است. لیکن، نحوه زندگی زندگان از زیادبودن مرگ و میر هراسناک تر است. ۷۵ درصد از مردم آمریکای لاتین بطور مداوم گرسنه‌اند. میانگین انرژی جذب شده توسط مردم آمریکای لاتین ۱۲۰۰ کالری در روز است، حال آنکه حداقل انرژی لازم را برای ادامه حیات روزانه ۲۴۰۰ کالری دانسته‌اند. (مردم ایالات متحده بطور متوسط ۳۱۰۰ کالری جذب می‌کنند.) بسیاری از مردم آمریکای لاتین، در واقع، از گرسنگی می‌میرند. در هائیتی زارعین برای بدست آوردن غذا در راه کیوتران لاغر و بدون گوشت دام می‌گذارند. در پرو و شیلی، بسیاری از مردم، یک روز در میان غذا می‌خورند و میزان کالری جذب شده بطور